

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با بحران سوریه

محمد عسگری نظری زاده^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۲۵

اصغر زارعی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۲۰

نوذر شفیعی^۳

چکیده

جمهوری اسلامی از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ میلادی در ایران، همواره در حال تنش و درگیری غیر مستقیم خصوصاً در منطقه خاورمیانه با کشورهای بلوک غرب بوده است. اما یکی از مهمترین مسائلی که در ساختار سیاست جمهوری اسلامی مورد توجه قرار دارد و در حال حاضر اهمیت آن فزونی یافته است، سوریه و بحران این سرزمین می باشد. این بحران که در زمان وقوع به عنوان پیچیده ترین چالش سیاسی و امنیتی در منطقه به شمار می آمد، موجبات رویارویی غیر مستقیم یک سری از کشورها در مقابل هم را فراهم نمود. سوریه به عنوان کشوری است که از زمان پیروزی انقلاب اسلامی نقش حمایتی و تأثیرگذاری عمیق در راستای انجام تفکرات جمهوری اسلامی در سطح بین الملل را داشته است. این سرزمین با توجه به جغرافیای خود تعیین کننده بسیاری از معادلات خاورمیانه می باشد. در این راستا پژوهش موجود در پی پاسخ به این سوال می باشد که جمهوری اسلامی با استناد به چه مشخصه هایی، استراتژی سیاست خارجی خود را در رابطه با بحران جمهوری عربی سوریه ترسیم نموده است؟ در فرضیه بیان شده برای این سؤال به این مطلب خواهیم رسید که با در نظرگیری برجستگی و اهمیت سرزمین سوریه سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر حفظ وضع موجود قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، واقع گرایی، واقع گرایی تدافعی، سوریه، جمهوری اسلامی ایران

دانشجوی دکتری روابط بین الملل، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

m.asgari26@gmail.com

استادیار گروه روابط بین الملل، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Z1365.zarei@gmail.com

دانشیار گروه روابط بین الملل، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

N.shafiee@ase.ui.ir

تغییرات به وجود آمده در توازن قوای منطقه ای در نتیجه خیزش های منطقه خاورمیانه از سال ۲۰۱۰ میلادی به عنوان نقطه آغازینی در تحولات خاورمیانه می باشد. اما بحران^۱ سوریه به عنوان یکی از مهمترین وقایع در سطح خاورمیانه است که تأثیری عمیق در صف آرای قدرت های منطقه ای و بین المللی گذاشت و دنیای معاصر را مورد تأثیرات شگرفی قرار داد. مسئله ای که در ابتدای این نوشتار باید به آن اذعان داشت این مطلب است که جمهوری اسلامی ایران، مسائل سوریه را به عنوان یک موضوع داخلی در چارچوب امنیت ملی^۲ به حساب می آورد. به عبارت واضح تر حفظ سوریه به مثابه دفاع از تمامیت ارضی ایران قلمداد می شود. در مجموع منظور از این مبحث بررسی، سبب و احراز دریافت کامل از استراتژی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با بحران جمهوری عربی سوریه از سال ۲۰۱۱ میلادی است. در این راستا نویسنده می کوشد تا با اتخاذ رویکردی توصیفی-تحلیلی در صدد پاسخگویی به این سؤال باشد که جمهوری اسلامی با استناد به چه مشخصه هایی، استراتژی سیاست خارجی خود را در رابطه با بحران جمهوری عربی سوریه ترسیم نموده است؟

در فرضیه بیان شده برای این سؤال به این مطلب خواهیم رسید که با در نظرگیری برجستگی و اهمیت سرزمین سوریه سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر حفظ وضع موجود می باشد.

ساختار بندی مبحث حاضر، مدل واقع گرایی تدافعی است. از منظر چارچوب بندی نیز پس از ارائه قالب تئوریک به تبیین موجزی در رابطه با کشور سوریه و کیفیت آغاز بحران در این سرزمین می پردازد. سپس تاریخچه داعش را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد و روابط دو کشور ایران و سوریه قسمت بعدی این نوشتار می باشد و در پایان این نوشتار پیش از نتیجه گیری به بررسی اهمیت سوریه از نگاه منافع^۳ جمهوری اسلامی به عنوان بازیگری منطقه ای و حتی بین المللی اشاره می نماید.

چارچوب نظری

سیاست خارجی

سیاست خارجی اصطلاحی است که به عنوان مهمترین وجه از زندگی اجتماعی و سیاسی حکومت ها به شمار می آید. همچنین باید اشاره داشت که سیاست خارجی موضوعی است که با استناد به یک دسته از رهیافت^۴ های متفاوت و در بعضی مواقع متقابل، قابل بررسی و کنکاش می باشد.

به طور کلی این اصطلاح به صورتی است که در رابطه با آن بحث های گوناگونی شده است.

- 1.Crisis¹
- 2.National Security²
- 3.interests

- 1.approach⁴

"از یک سو سیاست خارجی عبارت است از فعالیتی که کنشگران دولتی از طریق آن عمل می کنند، عکس العمل نشان می دهند و تعامل دارند. سیاست خارجی فعالیتی مرزی^۵ تلقی می شود" (ایوانز و نونام، ۱۳۹۱: ۲۷۷).

از نگاه دیگر باید اشاره داشت که "سیاست خارجی براساس محاسبه عقلانی امتیازات و زیان ها اتخاذ می شود و سیاست سازان به عنوان یک نظام یکپارچه عمل می کنند" (ایوانز و نونام، ۱۳۹۱: ۲۷۹).

سیاست خارجی را می توان برگرفته از یک دسته از فعالیت های زمینه سازی شده دانست که توسط سیاستگذاران انجام می گیرد و به دنبال رسیدن به غایتی معین می باشد. البته لازم به ذکر است که فعالیت های مذکور در راستای منافع ملی انجام می گیرد.

"در سیاست خارجی، بر عوامل متعددی چون سنت های تاریخی، موقعیت جغرافیایی، منافع، هدف ها و نیازهای امنیتی دولت ها تأکید می شود" (قوام، ۱۳۹۱: ۱۱۷).

واقع گرایی

واقع گرایی که از قدیمی ترین نوع نظریه در روابط بین الملل می باشد و بیشترین کاربرد را داشته است، بیش از اینکه در راستای نظریه ای واحد عمل نماید به عنوان یک مکتب فکری معرفی می گردد که از شاخه های متعدد و مرتبط تشکیل شده است. وجود رشته های مختلف در تفکر واقع گرایانه نمایان کننده اختلافات گسترده در میان پژوهشگرانی است که در این مکتب فعالیت می کنند.

واقع گرایی بر محدودیت هایی اعمال شده بر سیاست که توسط طبیعت بشر بوده و بیان کننده عدم وجود دولت بین المللی می باشد تأکید دارد.

باید اشاره داشت که "واقع گرایان بر محدودیت هایی که خودخواهی («خودپرستی»^۶) انسان بر سیاست تحمیل می کند و فقدان حکومت بین المللی («آنارشی») که مستلزم «برتری قدرت و امنیت در کل زندگی سیاسی» است تأکید دارند" (برچیل، لینکلتر و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۸-۴۷).

واقع گرایان در رابطه با دنیای پیرامون خود نگاه روشنی ندارند. از منظر این دسته از نظریه پردازان، نظام بین الملل عرصه مبارزه کردن است و در آن دولت ها در پی فرصت هایی برای منفعت جستن از یکدیگر می باشند. "رنالیست ها معتقدند که اصل حاکمیت در نظام بین الملل در حال نابودی نیست، بلکه شکل و نوع آن در حال تغییر است و در این زمینه اتحادیه اروپا را مثال می زنند که به جای چند حاکمیت ضعیف، یک حاکمیت قوی تحت عنوان «ایالات متحده اروپا» در حال شکل گیری است" (عسگرخانی، ۱۳۸۳: ۳۸).

2. boundary activity⁵

1. Egoism⁶

در واقع گرایبی هدف اصلی دولت‌ها دفاع و صیانت از کشور است و گزینه بقا برای متفکران واقع‌گرایبی در صدر قرار دارد. البته که دلیل این اهمیت واضح می‌باشد زیرا وجود عنصر بقا در کنش دولت‌ها، افزایش توان ملی در ساختار سیاست خارجی را فراهم می‌نماید. در اینصورت تهدیدات در سطح ملی افزایش یافته و در نتیجه افزایش قدرت به منظور حفاظت از موجودیت سیاسی ایجاد می‌شود.

از منظر متفکران واقع‌گرا، همواره احتمال جنگ و رقابت بی‌رحمانه در صحنه بین‌الملل وجود دارد.

قدرت^۷ واژه بسیار پرکاربردی در جایگاه دولت می‌باشد که در برگرفته هستی و عدم وابستگی تعریف می‌شود. "اگرچه موازنه صرفاً قدرت محور نمی‌باشد، اما ترس از قدرت در یک محیط آنارشیک، هدایت دولت‌ها را در سیستم به سمت موازنه در برابر یکدیگر به دنبال دارد" (احمدیان و زارع، ۱۳۹۰: ۸۴).

"واقع‌گرایبی یک نظریه فراگیر و کلان^۸ روابط بین‌الملل است که در صدد تبیین کلی سیاست بین‌الملل و پدیده‌های گوناگون بین‌المللی بر اساس ویژگی‌های ثابت انسان‌ها و کشورها می‌باشد" (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۲۸-۲۷).

"واقع‌گرایبی برای تبیین روابط بین‌الملل و تحلیل سیاست خارجی بر این اصول و مفاهیم تکیه می‌کند:

قدرت محوری، دولت محوری، منافع ملی، موازنه قوا، وضعیت طبیعی، عقلانیت و بقا" (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۲۳).

نظریه واقع‌گرایبی در روابط بین‌الملل دارای ساختاری گوناگون می‌باشد. اما مسئله مورد استناد نظریه واقع‌گرایبی تدافعی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است که در این نوشتار مورد توجه قرار می‌گیرد.

واقع‌گرایبی تدافعی

بنیان واقع‌گرایبی تدافعی از نظریات کنت والتز سرچشمه گرفته است. باید اشاره داشت که ارتباط موجود میان آنارشی و استلزامات نظام بین‌الملل و رفتار دولت‌ها از منظر واقع‌گرایان تدافعی دارای اهمیت قابل توجهی می‌باشد. مبحث خوش‌خیم بودن در آنارشی بین‌الملل به صورت انکار ناپذیری نمایان است و منظور از این نوع برداشت این معنا است که امنیت مقوله نایابی نمی‌باشد و البته فروان است. از اینرو دولت‌ها رفتاری تهاجمی نخواهند داشت و تنها در زمان تهدید امنیت خود واکنش نشان می‌دهند. نکته قابل اهمیت این مطلب است که در نگاه تدافعی مخاصمه در بعضی مواقع اجتناب ناپذیر می‌باشد. البته مبحثی که در این قسمت باید به آن اشاره داشت این مطلب است که مهمترین هدف در وضعیت آنارشیک برای دولت‌ها قدرت می‌باشد و از همین رو است که دولت‌ها در تلاش برای بقا و افزایش قدرت در نظام بین‌الملل می‌باشند.

2.Power⁷

3.grand theory⁸

آن چه که در واقع گرایشی تدافعی مهم جلوه می کند این مبحث می باشد که "حضور دولت ها در خارج از مرزهای ملی فقط در شرایط تصور ناامنی صورت می گیرد" (برزگر، ۱۳۸۸: ۱۲۵).

"از نگاه تالیافرو واقع گرایشی تدافعی بر چهار مفروضه استوار است:

۱. معضله امنیت^۹: منظور از معضله امنیت شرایطی است که در آن تلاش یک دولت برای افزایش امنیت خود باعث کاهش امنیت دیگران می شود.

۲. ساختار ظریف قدرت: به نظر واقع گرایان تدافعی تأثیر ساختار ظریف^{۱۰} قدرت که متغیر سطح نظام نیست «و به معنای توزیع نسبی آن دسته از توانمندی های مادی است که دولت ها را قادر می سازد راهبردهای نظامی و دیپلماتیک خاصی را دنبال کنند»، مهمتر از ساختار خام یا زمخت^{۱۱} قدرت «به معنای سهم نسبی از منابع قدرت در دست یک دولت» است.

۳. برداشت های ذهنی رهبران: تأثیر ساختار ظریف قدرت و توانمندی های مادی بر رفتار دولت از طریق تصورات یا برداشت های ذهنی^{۱۲} رهبران ملی است. آن ها معمولاً بر مبنای قیاس های تاریخی و میانبرهای دیگر ادراکی اطلاعات واصله را پردازش می کنند و تصمیم می گیرند. بنابراین این عامل یک متغیر میانی بسیار مهم تلقی می شود.

۴. عرصه سیاست داخلی: به نظر واقع گرایان تدافعی، استقلال دولت در برابر جامعه مدنی، ائتلافات سیاسی، عرصه سیاست سازمانی، و روابط میان بخش های لشگری و کشوری جملگی توانایی رهبران را در بسیج منابع تحت تأثیر قرار می دهند. قدرت سیاسی ملی به معنای توانایی بسیج منابع مادی و انسانی دولت بسیار اهمیت پیدا می کند^{۱۳} (مشیرزاده: ۱۳۹۴: ۱۳۴-۱۳۳).

سرزمین سوریه و شکل گیری بحران

با توجه به جایگاه جغرافیایی، سرزمین سوریه در جهت غربی آسیا در جانب سواحل شرقی دریای مدیترانه واقع شده است. این سرزمین از جهت شمالی با کشور ترکیه، از سمت شرق و جنوب شرقی با عراقی ها، از غرب با ساکنان لبنان و دریای مدیترانه و از سمت جنوب غربی با رژیم صهیونیستی و از جنوب و جنوب غربی با اردن مرز مشترک دارد.

از لحاظ مذهبی سوری ها به سه دسته علوی، مسیحی و سنی تقسیم می شوند که از این بین، اهل تسنن بیشترین آمار از جمعیت سوریه را تشکیل می دهند.

1. security dilemma⁹

1. fine-grained¹⁰

2. gross¹¹

3. perceptions¹²

جغرافیای این کشور نشان می‌دهد که اهمیت سرزمین سوریه تا چه اندازه در سطح بالایی قرار دارد و جایگاه استراتژیک این کشور تاثیر بسزایی را در معادلات بین‌المللی ایفا می‌کند.

در زمینه اقتصادی مطلبی که باید اشاره نمود اینکه علاوه بر صنایع کشاورزی و تجارت که نقش مهمی را در اقتصاد این کشور ایفا می‌کنند، نفت و گاز منابع مهمی در رونق اقتصادی ای کشور می‌باشند که نمی‌توان از آن چشم‌پوشی نمود.

سوریه در سال ۲۰۱۱ میلادی که حول سه منطقه اجتماعی و جغرافیایی مختلف شهری، روستایی و بیابانی ساختار یافته بود، گروه‌های قومی و فرقه‌ای مختلف تمایل به تسلط بر این فضاها داشتند. البته نکته قابل‌اهمیت تسلط اهل تسنن بر اکثر مناطق از سرزمین سوریه می‌باشد.

۲۶ ژوئیه سال ۲۰۱۱ میلادی را می‌توان آغاز اعتراضات در سرزمین سوریه دانست، درعین‌جهت اولین شهرهایی بود که اعتراضات سوریه از آنجا آغاز گردید که با وجود انجام یک سری اصلاحات از سوی بشار اسد، نتوانست تأثیری در ازبین بردن اعتراضات داشته باشد و نشان از گستردگی آن به شهرهای دیگر سوریه داشت.

عوامل تأثیرگذار در بحران سوریه را باید از یک طرف در سطح داخلی (سیاسی، اجتماعی و اقتصادی) و از طرف دیگر در سطح بین‌المللی مورد بررسی قرار داد. از منظر داخلی که گروه‌های مختلفی خواستار تغییر وضع موجود بودند هر طیف در راستای برآورده نمودن خواسته‌های سیاسی، اجتماعی و یا اقتصادی خود عمل می‌نمود. می‌توان بیان داشت که این اعتراضات از طرف گروه‌های معارضی مانند شورای ملی سوریه (برگرفته از یک سری گروه‌های اصلی مخالف دولت سوریه که متشکل از تبعیدیان سوری و هدف آنان براندازی دولت حاکم)، ارتش آزاد سوریه (یکی از گروه‌های مبارز مسلح به منظور از میان برداشتن بشار اسد و متشکل از افسران و سربازان جدا شده از ارتش سوریه)، ائتلاف ملی نیروهای انقلابی (به عنوان بزرگ‌ترین ائتلاف از گروه‌های مخالف)، جبهه آزادیبخش (ائتلافی برگرفته از چند گروه مخالف حکومت سوریه و اهداف آن‌ها ایستادگی در برابر حکومت، مبارزه با حزب کارگران کردستان و در نهایت مبارزه با داعش)، کردها (تعریف شده در راستای سوریه دموکراتیک و به دنبال خودگردانی در حکومت آینده سوریه)، جبهه النصره (معروف به جبهه فتح شام، یک سازمان جهادی سلفی شاخه‌ای از القاعده به منظور غلبه بر نیروهای دولتی سوریه) و داعش (که به صورت مفصل توضیح آن خواهد آمد) دانست و از طرف دیگر از منظر منطقه‌ای و بین‌المللی در دو بخش کشورهای طرفدار حفظ وضع موجود و در بخش مقابل کشورهای که خواستار تغییر وضع موجود می‌باشند بررسی نمود که با توجه به گستردگی بحث، تنها در بخش بین‌المللی در ارتباط با جمهوری اسلامی به کنکاش خواهیم پرداخت.

در این میان داعش به عنوان گروهی است که نقش پررنگ و تأثیرگذاری را در رابطه با بحران ایجاد شده داشته است که در ادامه این نوشتار به بررسی آن می‌پردازیم.

داعش و نحوه شکل‌گیری

در ارتباط با بررسی گروه های افراطی در جهان اولین نکته ای که باید به آن توجه داشت زمینه های تاریخی شکل گیری این نوع از گروه ها می باشد.

دولت اسلامی عراق و شام با نام اختصاری داعش (برگرفته از کشورهای سوریه، اردن، لبنان، فلسطین اشغالی و بخش هایی از غرب و عراق و صحرای سینا) جریان اسلام گرای تندرو وهابی است که تاریخچه آن به سال ۲۰۰۳ میلادی برمی گردد. فردی با نام احمد فضیل النزال الخلیفه مشهور به ابومصعب الزرقاوی با انجام عملیات های متعدد انتحاری در عراق، سازماندهی و جذب افراط گرایان را آغاز نمود. وی گروهی با نام التوحید و الجهاد پایه گذاری نمود که در افغانستان، اردن و عراق به فعالیت پرداختند. در سال ۲۰۰۴ میلادی ابومصعب الزرقاوی با اسامه بن لادن بیعت نمود و گروه ابومصعب الزرقاوی در عراق با نام گروه القاعده الجهاد معرفی گردید. نکته قابل تأمل این مطلب است که تا پیش از مرگ الزرقاوی هیچ خبری از تأسیس داعش (دولت اسلامی عراق و شام) نبود. با مرگ وی ابو حمزه المهاجر مشهور به ابو ایوب مصری بر مسند قدرت رسید. با گذشت زمان همکاری هایی بین ابو حمزه المهاجر و ابو عمر البغدادی شکل گرفت و در این راستا هماهنگی میان گروه های تنظیم الجهاد و شورای مجاهدین افزایش یافت. با کشته شدن این دو فرد مهم در ساختار تقسیم بندی اسامه بن لادن فصل تازه ای در ساختار القاعده در عراق ایجاد گردید. "ابوبکر البغدادی پس از آن که در ۱۶ مه ۲۰۱۰، اداره امور دولت اسلامی عراق را در دست گرفت، نخست به ترمیم شکاف ناشی از فقدان نیروهای با تجربه پرداخت و روند جذب افسران اطلاعاتی ارتش بعثی عراق را سرعت بخشید" (مصطفی، ۱۳۹۶: ۶۹). وی مبارزه با شیعیان عراق را به همان طریق زرقاوی ادامه داد.

با شروع روند اعتراضات در سوریه ابوبکر البغدادی در پایان سال ۲۰۱۱ میلادی جبهه النصره را تحت هدایت و رهبری فردی به نام ابومحمد الجولانی تأسیس نمود. "این گروه چنان قدرتمند شد که البغدادی ناچار شد علناً اعلام کند که جبهه النصره در واقع چیزی نیست جز همان «دولت اسلامی عراق» در سوریه" (تودنهوفر، ۱۳۹۵: ۲۲). از اینرو البغدادی خواستار بیعت الجولانی با وی شد که این قضیه از طرف الجولانی و همینطور ایمن الظواهری رهبر القاعده رد شد به همین دلیل البغدادی رسماً از القاعده جدا شده و دولت اسلامی عراق و شام که همان داعش می باشد را تشکیل داد.

از دلایلی که باعث شد تا داعش توانایی جولان در سوریه را داشته باشد رهبریت، مواضع فکری و عقیدتی، رسانه و منابع مال می باشد که در ذیل به طور مختصر اشاره می نمایم:

*در ابتدا بحث مشروعیت بخشیدن به رهبر داعش، ابوبکر البغدادی می باشد:

از یک سو با انتساب وی به جعفر کذاب فرزند امام هادی «ع» او را از اهل بیت می دانستند و برای همین برای این فرد فضیلت نسبی قرار می دادند.

*از سوی دیگر با توجه به ادعای داشتن کارشناسی حقوق، کارشناسی ارشد مطالعات قرآنی و دکتری فقه برای بغدادی جایگاه فقاہت در نظر می‌گرفتند و او را شایسته فتوا می‌دانستند.

اما در ارتباط با بحث های فکری و عقیدتی این گروه می‌توان اشاره داشت که مسلمانان مخالف با خود را کافر دانسته و در راستای هلاک نمودن آنان قدم بر می‌دارند.

داعش "یک گروه مسلح تروریستی است که اندیشه سلفی جهادی دارد و هدف سازماندهندگانش نیز بازگرداندن چیزی است که آن را خلافت اسلامی و اجرای شریعت می‌نامند" (بصیری، آقامحمدی و فلاحی، ۱۳۹۵: ۵۲).

"در سرگذشت های رهبران داعش، اصراری عجیب بر بیان تعبیر «پیرو راه سلف» وجود دارد، یعنی آنان از مذهب حنبلی وهابی پیروی می‌کنند" (ابراهیم، ۱۳۹۷: ۱۰۵).

داعش به عنوان یک خطر جدی در نظم بین الملل و بویژه خاورمیانه بود. این گروه که به عنوان یک جریان واپسگرا می‌باشد منشاء آن به حجاز، خلیج فارس و جزیره العرب بر می‌گردد. داعش با پر نمودن یک خلاء عقیدتی وارد عرصه بین الملل شد و سنی های آسیب دیده را به هويت قدرتمند پان سنی تبدیل نمود که فراتر از ملیت، قومیت و مرزبندی ها بوده است. در این ارتباط باید اشاره داشت که جریان داعش جریانی است که "ریشه در آراء و افکار اهل حدیث، مذهب فقهی حنبلی، ابن تیمیه، ابن القیم جوزیه، عقاید وهابیت، آرای متفکران سلفی متقدم و آموزه های مدرسه های سلفی آل سعود در شبه جزیره دارد. در مقابل، برخی از علمای سلفی نیز عقاید سران و پیروان داعش را انحراف از طریقه سلف و آموزه های مکتب سلفیه می‌دانند" (مصطفی، ۱۳۹۶: ۸۹).

از همین رو ریشه استراتژیک این گروه را می‌توان در فرقه گرای، درگیری بین مسلمانان شیعی و سنی در عراق و سوریه در راستای منافع خود دانست. عامل ضد ایرانی مسئله دیگری است که در صدر فهرست متغیرهای قدرت بخش به اندیشه داعش قرار دارد. این گروه اعتقاد داشتند که رافضی ها «شیعیان» یک طایفه مشرک بوده و حکم ارتداد بر آنها جاری می‌کردند و کشتن آن ها را واجب می‌دانستند.

اما هدف استراتژیک اولیه داعش تحکیم و گسترش سرزمین و اقتدار دولت اسلامی در عراق و سوریه و همچنین سایر کشورهای مسلمان همسایه بوده است. این گروه به دنبال آن بود تا مرزهای استعماری که توسط قدرت های اروپایی در پایان جنگ جهانی اول ترسیم شده بود را از بین ببرد.

داعش با بی ثبات نمودن دولت ها هرچه سریعتر قلمرو آن ها را تصاحب کرد این گروه از طریق تبلیغات بین المللی به دنبال جذب نیرو از کشورهای مختلف بود تا هرچه سریعتر پایگاه خود را مستحکم نماید.

*مسئله بعد رسانه است که در دوران حضور داعش در سوریه نقش بسزایی را ایفا نمود. مؤسسه الفرقان که به عنوان یک رسانه نقش والایی را در دوران حضور داعش در به تصویر کشیدن منویات این گروه ایفا نمود، عمدتاً از سلفی های سعودی تشکیل شده بود.

*اما در ارتباط با منابع مالی باید اشاره داشت که این منابع از طرق مختلفی تأمین می شود که در ذیل به برخی از آن ها اشاره می شود:

- افراد و سازمان هایی که به صورت خیریه کمک هایی را به داعش انجام می دادند.
- تسلط داعش بر مناطق نفت خیز سوریه که تأثیر بسزایی را در درآمد مالی این گروه داشت.
- زمین های کشاورزی و اجاره ای که به واسطه این زمین ها از مردم می گرفتند.
- حمایت های مالی برخی کشورهای عربی و غربی که تأثیر بسزایی در درآمد مالی داعش داشت.

تاریخچه روابط ایران و سوریه

سرزمین ایران و سوریه به عنوان دو سرزمین ریشه دار در سطح بین الملل می باشند. این دو کشور از سال های متعددی دارای روابط گسترده با یکدیگر بوده اند. نقاط مشترک فرهنگی و تاریخی از عواملی است که جدای از مسائل سیاسی از منظر این نوشتار موجب ارتقاء همکاری میان دو کشور گردیده است. نکته حائز اهمیت در روابط این دو کشور این مطلب است که حکومت سوری برگرفته از حزب بعث می باشد و طرفدار دیدگاه پان عرب است و در مقابل حکومت جمهوری اسلامی دارای دیدگاهی متفاوت است. از اینرو با وجود اختلافات ایدئولوژیک میان دو نظام موجود با توجه به شرایط نظام بین الملل و همگرایی منافع متقابل دو کشور توانسته اند اتحاد سیاسی- نظامی پایداری را ایجاد نمایند.

البته در ابتدای این قسمت باید اشاره داشت که روابط دو کشور در دو قسمت مورد کنکاش قرار می گیرد. از یک سو روابط سوری ها پیش از انقلاب اسلامی و از سوی دیگر این روابط در دوران انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار می گیرد.

روابط ایران و سوریه پیش از انقلاب اسلامی

سال ۱۹۴۶ میلادی ایران جزو اولین کشورهایی بود که استقلال سوریه را به رسمیت شناخت. در این دوران با وجود دو حکومت متفاوت از لحاظ دیدگاه در دو کشور ایران و سوریه، ولی به دلیل وجود یک دشمن مشترک یعنی حزب بعث عراق، روابط و همکاری های مناسبی برقرار بود.

با این وجود تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تغییر حکومت شاهنشاهی به جمهوری اسلامی، در بعضی مواقع شاهد برهم خوردن و یا کم شدن روابط صمیمانه میان دو کشور هستیم که این مسئله برگرفته از تضاد منافع سیاسی دو کشور در آن زمان می باشد.

"حمایت ایران از قطعنامه ۳۱۶ شورای امنیت که رژیم صهیونیستی را وادار می کرد ۵ افسر سوری را که در خاک لبنان به اسارت گرفته بود، آزاد کند و سفر ۴ روزه حافظ اسد در دی ماه ۱۳۵۴ به ایران و امضای توافقنامه های

همکاری در آن سفر نمونه ای از حسن نیت و روابط قابل توجه طرفین است" (اخوان کاظمی و ویسی، ۱۳۹۱: ۱۷۳).

"اگرچه تیرگی روابط دو کشور با کمک های مادی و حمایت های لفظی ایران از اعراب در جنگ ۱۹۶۷ در برابر اسرائیل تا حدی بهبود یافت، به طور کلی به دلیل روابط گسترده ایران با اسرائیل و مبارزه سوریه با اسرائیل، همواره تنش در روابط دو کشور تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران، باقی بود" (اخوان کاظمی و ویسی، ۱۳۹۱: ۱۷۴).

"در طی سال های ۱۹۷۷-۱۹۷۸ روابط ایران و سوریه تغییر چندانی نکرد و آخرین تحولات در روابط دو کشور دو رویداد نه چندان مهم یکی پیام تبریک شاه به حافظ اسد به مناسبت انتخاب مجدد وی به ریاست جمهوری و دیگری پیام شاه و اظهار نگرانی از ناپدید شدن امام موسی صدر بود که بیشتر یک ژست مذهبی بود که در اوج قیام مذهبی مردم مسلمان ایران صورت می گرفت" (درویشی سه تالانی، ۱۳۹۶: ۱۲۸).

در کل ایران زمان حکومت شاهنشاهی به دنبال نشان دادن هویت ناسیونالیستی به اعراب بود و این درست نقطه مقابل سوریه که دارای تفکرات شدید ناسیونالیسم عربی بود قرار می گرفت. از نگاه اعراب، ایران در راستای هدف استراتژیک غرب و اسرائیل در مقابل اعراب گام بر می دارد. ایران زمان حکومت شاهنشاهی را طرفدار بلوک غرب و مورد حمایت ایالات متحده و هم پیمان با رژیم صهیونیستی می دانستند.

روابط ایران و سوریه پس از انقلاب اسلامی

در دوران پیروزی انقلاب اسلامی این روابط نمود چشمگیری داشته است تا اندازه ای که یکی از ویژگی های ماندگار در چشم انداز سیاسی خاورمیانه می باشد که در ذیل به چند مورد آن اشاره می گردد.

جمهوری عربی سوریه از اولین کشورهایی به شمار آمد که دولت موقت نخست وزیر بازرگان را به رسمیت شناخت. روابط سوری ها و ایرانی ها در بین سال های ۱۹۸۰-۱۹۷۹ میلادی به دلیلی تیرگی روابط میان عراق و سوریه از یک طرف و عراق و ایران از طرف دیگر بسیار نزدیک و هماهنگ شد و در دوران جنگ عراق علیه ایران کمک های گسترده ای از دو طریق صورت گرفت. از یک سو ارسال مهمات نظامی و از سوی دیگر ممانعت از متحد شدن دولت های عربی علیه جمهوری اسلامی ایران می باشد، که نشان دهنده افزایش و نزدیکی روابط بیشتر در آن دوران می باشد. البته باید اذعان داشت که در این دوران وجود اختلافات ایدئولوژیکی حزب بعث تاثیر بسیار مهمی را در تیرگی روابط میان حکومت عراقی و سوری گذاشت.

"در عرصه سیاسی حافظ اسد، با تماس با پادشاهان عربستان و اردن کوشید تا آن ها را قانع کند که برای توقف جنگ بر صدام فشار آورند و طی سفر رسمی که بلافاصله پس از آغاز جنگ به شوروی داشت، با صدور اعلامیه مشترکی با برژنف از حق محروم نشدن ایران درباره سرنوشت مستقل و به دور از هرگونه نفوذ خارجی حمایت

کرد" (درویشی سه تالانی، ۱۳۹۶: ۱۳۲). همچنین جلوگیری از بوجود آمدن یک جنگ تمام عیار عربی از دیگر تلاش هایی است که سوریه در این دوران انجام داد. از سوی دیگر در زمینه نظامی کمک هایی در زمینه ارسال ادوات جنگی صورت گرفت. "در جریان دیدار حافظ اسد از شوروی، سوریه اجازه یافت تسلیحات روسی را به ایران بفروشد" (درویشی سه تالانی، ۱۳۹۶: ۱۳۲).

تهاجم رژیم صهیونیستی به لبنان در سال ۱۹۸۲ میلادی اتفاق دیگری بود که بر تحکیم روابط میان ایران و سوریه افزود.

از طرف دیگر دهه ۱۹۹۰ میلادی دهه ای بود که به دلیل همراهی استراتژیک ایالات متحده آمریکا، رژیم صهیونیستی و ترکیه در خاورمیانه، اتحاد دو کشور ایران و سوریه را بیش از پیش لازم می دانست. دو کشور در نگاه واقع بینانه دریافتند که اتحاد مذکور در راستای تهید منافع جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی سوریه می باشد.

اما اتفاقات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی و متعاقب آن عنوان محور شرارت از طرف جرج بوش رئیس جمهور ایالات متحده و حمله به افغانستان و عراق موجب شد که جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی سوریه با محوریت بشار اسد روابط خود را مستحکم نمایند تا از وقوع اتفاقات احتمالی جلوگیری کنند.

آن چه که مشخص می نماید وجود دشمنان مشترک یعنی ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه خاورمیانه می باشد که موجب همبستگی بیشتر میان جمهوری اسلامی ایران و سوریه از ابتدای انقلاب اسلامی تا به امروز شده است.

به طور کلی ائتلاف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی سوریه تاثیر شگرفی بر سیاست خاورمیانه گذاشته است و همینطور تغییر و تحولات خاورمیانه و عدم تغییر در همکاری دو کشور نشان از همبستگی عمیق میان ایران و سوریه دارد.

اهمیت سوریه برای منافع جمهوری اسلامی ایران

در ابتدای امر باید اشاره داشت که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر چهار اصل استوار می باشد:

"اصل ۱۵۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی اشاره دارد که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس نفی هر گونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت های سلطه گر و روابط صلح آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است" (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸: ۶۸).

دقت و تعمق در این اصول خود گویای اهداف اصلی جمهوری اسلامی می باشد که برای رسیدن به این اهداف نیازمند همراهی یک سری از کشورهای دوست به منظور از میان برداشتن موانع بیشماری است که در این مسیر وجود دارد.

اما با وقوع انقلاب اسلامی در سرزمین ایران جایگاه این کشور در منطقه از بابت متحدان و هم پیمانان متفاوت شده است. به عنوان نمونه، رژیم صهیونیستی از جایگاه یک دوست و هم پیمان در ساختار حکومت شاهنشاهی به یک رژیم منحوس در معادلات جمهوری اسلامی تغییر پیدا نموده است.

جمهوری عربی سوریه به عنوان مهمترین متحد ایران در سطح بین الملل می باشد. حمایت و به عبارت بهتر حفاظت از این کشور برای سیاستمداران جمهوری اسلامی از جنبه های مختلفی، به ویژه در سطح امنیتی و سیاسی اهمیت پیدا کرده است. جدای از بحث در ارتباط با روابط و منافع اقتصادی همانند: "مبادلات تجاری، احداث کارخانه و نمایندگی های ایران خودرو و سایپا، دو شرکت خودروسازی ایران در سوریه، احداث کارخانه تراکتورسازی و پروژه هایی دیگر؛ از جمله کارخانه سیمان، کارخانه بازیافت، تصفیه خانه های آب، همکاری در بخش بنادر و غیره" (حافظ نیا، کاوندی کاتب، ۱۳۸۹: ۱۸)، آن مبحثی که اهمیت قابل توجهی دارد حوزه منافع سیاسی و امنیتی می باشد. جمهوری اسلامی ایران جایگاه جغرافیایی سرزمین سوریه را در تفکر سیاسی خود بسیار مهم می داند. سوریه سرزمینی است که در منطقه آسیای غربی قرار گرفته است. واقع شدن در این منطقه موجب متصل نمودن آسیا، اروپا و آفریقا شده است. از جهت دیگر این وضعیت نقشه جغرافیایی، هم مرزی سوری ها با رژیم صهیونیستی، لبنان، ترکیه و عراق را فراهم نموده است که نشان دهنده اهمیت این سرزمین از منظر ژئوپلیتیک منطقه ای می باشد. توجه به این نقشه نشان می دهد که سوریه همانند پلی به سوی مدیترانه می باشد و از این رو حفظ رابطه با این سرزمین را برای سیاستگذاران جمهوری اسلامی توجیه می نماید.

تضاد منافع جمهوری اسلامی ایران با ایالات متحده آمریکا در منطقه خاورمیانه نشان دهنده عمق اهمیت حفاظت از سوریه از سوی جمهوری اسلامی است. سیاستمداران ایالات متحده آمریکا اهمیت سوریه را در راستای اهداف جمهوری اسلامی دریافته اند که نمونه بارز آن حضور داعش در این منطقه بوده است. سیاستمداران ایالات متحده همیشه از طرق مختلف در راستای حرکت به سمت تغییر منطقه خاورمیانه و به عبارتی مقابله با ایدئولوژی و تفکرات جمهوری اسلامی هستند و از اینرو تمام توان خود را در راستای از بین بردن یا ضعیف نمودن جمهوری اسلامی می نمایند. حفظ رژیم صهیونیستی در منطقه خاورمیانه نکته بسیار مهمی است که در معادلات ایالات متحده قرار گرفته است و ائتلاف ایران، سوریه و حزب الله لبنان با توجه به اهمیت این رژیم در برنامه های ایالات متحده به عنوان راهکار مقابله با این تفکر قرار دارد. سوریه به عنوان مسیر دستیابی به رژیم صهیونیستی در این ساختار نقش قابل توجهی را ایفا می نماید. به عبارت دیگر باید اشاره نمود که در صورت عدم حضور سوریه در راستای تفکرات حاضر، حزب الله تضعیف شده و امکان همکاری با آن از طریق جمهوری اسلامی به شدت کاسته می شود. وقوع چنین وضعیتی به معنای شکننده شدن قدرت جمهوری اسلامی ایران بوده و تغییر در نقشه

خاورمیانه را به سرعت عملی می‌کند. حتی جدای از بحث حزب الله از نگاه این نوشتار عراق به عنوان یکی دیگر از کشورهای حوزه نفوذ، در یک وضعیت بسیار متفاوتی قرار خواهد گرفت. سعودی‌ها با توجه به جایگاه قابل توجهی که در میان اعراب دارا هستند دیگر سوریه را به عنوان یک کشور عربی متحد با جمهوری اسلامی ایران ندیده و در اینصورت به تحریکات خود در عراق افزوده و گروه‌های بالقوه مخالف جمهوری اسلامی را در راستای ضربه زدن به منافع جمهوری اسلامی تحریک می‌نمایند. البته نباید از سمت ترکیه نیز چشم‌پوشی نمود، در صورت تغییر در ساختار تفکرات فعلی حکومت سوریه، باید شاهد حضور ترکیه در راستای ضربه زدن به منافع جمهوری اسلامی در عراق به عنوان همسایه ایران بود.

در هر صورت این نوشتار بر این اعتقاد استوار است که نبود دولت بشار اسد به عنوان یک متحد راهبردی در منطقه غربی آسیا به معنای پایان تأثیرات قابل توجه جمهوری اسلامی در منطقه خواهد بود. در اینصورت نظام جدید سوریه، به گرایش روی خواهد آورد که مخالف سیاست‌های جمهوری اسلامی خواهد شد. به طور کلی حضور مخالفان جمهوری اسلامی در حکومت سوریه به معنای تغییر سیاست سوریه از کشوری همراه با جمهوری اسلامی به کشوری مخالف جمهوری اسلامی و در راستای منافع عربستان سعودی و ترکیه و دیگر متحدان خواهد بود. "به تعبیر دیگر، تغییر قدرت در سوریه به معنی افزایش یک حلقه دیگر به زنجیره رقبای منطقه ای ایران و از دست رفتن یک هم‌پیمان منطقه ای قلمداد می‌شود" (نجات و جعفری ولدانی، ۱۳۹۲: ۴۴).

نتیجه‌گیری

به طور کلی اتحاد میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی یک نوع اتحاد تدافعی است و دارای اهدافی تعیین شده و محدود است. از طرف دیگر دو کشور دارای منافع مکمل یکدیگر می‌باشند و از این رو به آسانی به سازش و توافق درونی دست می‌یابند و مواضع و اقدامات خود را هماهنگ می‌کنند. جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی سوریه دو کشور کاملاً مستقل هستند که دارای نخبگان سیاسی با ادراکات و دیدگاه‌های جهانی خاص می‌باشند. از یک طرف جمهوری اسلامی در تلاش است تا با نام اسلام انقلابی بر وحدت مسلمین همت گمارد و بر اختلافات شیعه و اهل تسنن غلبه نماید. و از طرف دیگر جمهوری عربی سوریه در تلاش است تا وحدت جامعه عرب در سطح بین‌الملل را تقویت نماید. اما نکته قابل توجهی که شاید بتوان بیان داشت این مطلب است که از منظر حافظ اسد و امام خمینی «ره» و جانشینان آن دو، خاورمیانه یک کل استراتژیک است و برای همین اتحاد خود را لازم می‌دانند. در یک جمع بندی شیوا می‌توان اهداف اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با حمایت از بشار اسد را در موارد ذیل جستجو نمود:

۱. از طریق حمایت از بشار اسد به عنوان متحدی استراتژیک در خاورمیانه می‌تواند مواضع و جایگاه خود در خاورمیانه را حفظ نماید.

۲. حضور حکومت بشار اسد موجب می‌شود تا محور مقاومت همچنان بتواند به فعالیت خود ادامه دهد زیرا سوریه به عنوان پل ارتباطی میان جمهوری اسلامی ایران و حزب الله لبنان می‌باشد.

۳. حکومت بشار اسد بهترین روش برای مقابله با نفوذ عربستان سعودی در میان کشورهای عرب می‌باشد. از اینرو نبود بشار اسد به معنای تفوق سعودی‌ها در میان اتحادیه عرب در رابطه با سیاست‌های جمهوری اسلامی است.

حال باید اذعان داشت که وجود داعش با تسلیحات عظیم و کمک‌های مالی فزاینده می‌توانست تأثیرات عمیقی را بر تحولات خاورمیانه داشته باشد و اگر جمهوری اسلامی توانایی مقابله با این وضعیت را نداشت سرانجام ناگواری را در پی خواهد داشت زیرا هدف اصلی و غایی داعش غلبه بر ایران بود. در انتها نکته پایانی از منظر این نوشتار این مطلب می‌باشد که داعش و حضور آن در سوریه نمونه‌ای بارز از تهدید منافع کامل جمهوری اسلامی در خاورمیانه بود که اگر تصمیمات لازم در این مورد گرفته نمی‌شد اکنون وضعیت متفاوتی برای امنیت جمهوری اسلامی شاهد بودیم. اگرحتی بخواهیم تنها یک دلیل برای حمایت جمهوری اسلامی ایران از سوریه بشار اسد را برشماریم حضور بشار اسد در نزدیکی رژیم صهیونیستی می‌باشد که باعث شده است از هرگونه حرکت نابجا از طرف کشورهای مخالف جمهوری اسلامی جلوگیری نماید. نکته‌ای که نشان دهنده تمرکز بیشتر سیاستگذاران جمهوری اسلامی در رابطه با منافع اصلی خود می‌باشد.

منابع

۱. ابراهیم، فؤاد (۱۳۹۷)، "داعش: از محمدبن عبدالوهاب نجدی تا ابوبکر بغدادی در سودای خلافت اسلامی"، ترجمه علی رضا فرازی، چاپ اول، قم: انتشارات زمزم هدایت.
۲. ابراهیم نژاد، محمد (۱۳۹۵)، "داعش: بررسی انتقادی تاریخ و افکار"، چاپ ششم، قم: انتشارات دارالاعلام لمدرسه اهل البیت علیهم السلام.
۳. احمدیان، حسن. زارع، محمد (تابستان ۱۳۹۰)، "استراتژی عربستان در برابر خیزش‌های جهان عرب"، فصلنامه ره نامه سیاستگذاری سیاسی، دفاعی و امنیتی، سال دوم، شماره ۲، صص ۷۵-۹۷.
۴. اخوان کاظمی، مسعود. ویسی، سارا، (تابستان ۱۳۹۱)، "علویان سوریه؛ از شکل‌گیری تا قدرت یابی"، فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه‌شناسی، سال دهم، شماره ۳۸، صص ۱۸۶-۱۴۷.
۵. آدمی، علی. کشاورز مقدم، الهام (تابستان ۱۳۹۴). " جایگاه مجموعه امنیتی محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۱-۱۹.
۶. امید، علی. آقامحمدی، زهرا (زمستان ۱۳۹۶)، "بحران سوریه براساس نظریه مکعب بحران"، فصلنامه روابط خارجی، سال نهم، شماره چهارم، صص ۱۰۲-۶۳.

۷. ایوانز، گراهام. نونام، جفری. (۱۳۹۱)، "فرهنگ روابط بین الملل"، ترجمه حمیرا مشیر زاده و حسین شریفی، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.
۸. برچیل، اسکات. لینکلتر، آندرو و دیگران. (۱۳۹۲)، "نظریه های روابط بین الملل"، ترجمه سجاد حیدری فرد، چاپ اول، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۹. برزگر، کیهان (بهار ۱۳۸۸)، "سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تهاجمی و تدافعی"، فصلنامه روابط خارجی، سال اول، شماره ۱، صص ۱۵۳-۱۱۳.
۱۰. بصیری، محمدعلی؛ آقامحمدی، زهرا؛ فلاحی، احسان (پاییز ۱۳۹۵)، "بسترهای شکل گیری و تداوم تروریسم در غرب آسیا، مطالعه موردی داعش در عراق و سوریه"، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام. سال پنجم، شماره ۱۹، صفحه ۷۱-۵۱.
۱۱. بیلیس، جان. اسمیت، استیو (۱۳۸۳)، "جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین"، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی، چاپ اول، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.
۱۲. تودنهورفر، یورگن "نگاهی به داعش از درون: ۱۰ روز در «دولت اسلامی»"، ترجمه رحمان افشاری، چاپ ششم، تهران: انتشارات مهر اندیش.
۱۳. جانسیز، احمد. اسمعیلی، علی (تابستان ۱۳۹۶)، "علل گسترش روابط استراتژیک ایران با سوریه؛ از حمله آمریکا به عراق تا آغاز بحران در سوریه ۲۰۱۱-۲۰۰۳"، فصلنامه پژوهشهای راهبردی سیاست، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۱۷۴-۱۵۱.
۱۴. جکسون، رابرت. سورنسون، گئورگ (۱۳۹۱)، "درآمدی بر روابط بین الملل"، ترجمه مهدی ذاکریان، احمد تقی زاده و حسین سعید کلاهی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات میزان.
۱۵. حافظ نیا، محمدرضا. کاوندی کاتب، ابوالفضل (پاییز ۱۳۸۹)، "روابط ایران و کشورهای عربی پس از حمله آمریکا به عراق"، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هفدهم، شماره ۳، صص ۲۶-۹.
۱۶. درویشی سه تلانی، فرهاد. فیاضی، حامد (تابستان ۱۳۹۵)، "بررسی سازه انگارانه و نئورئالیستی روابط راهبردی ایران و سوریه (۱۹۷۹-۲۰۱۵)"، فصلنامه علمی- پژوهشی رهیافت انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۵، صص ۸۶-۶۷.
۱۷. درویشی سه تلانی، فرهاد. فیاضی، حامد (بهار و تابستان ۱۳۹۶)، "کنکاشی در روابط تاریخی ایران و سوریه (۱۹۴۶-۲۰۱۱)"، تاریخ نامه انقلاب، سال اول، دفتر اول، صص ۱۴۳-۱۱۵.

۱۸. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۴)، "سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"، چاپ ششم، تهران: انتشارات سمت.
۱۹. رضایی، روح‌الله (۱۳۸۰)، "چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"، ترجمه: علیرضا طیب، چاپ اول، تهران: انتشارات نی.
۲۰. زاهدی، نساء. اسماعیلی، سید محسن (تابستان ۱۳۹۷)، "سیاست خارجی ایران در قبال سوریه و تاثیر آن بر مناسبات با ترکیه از ۲۰۱۰ تاکنون"، فصلنامه علمی-حقوقی قانون یار، دوره دوم، شماره ششم، صص ۲۱۰-۱۸۵.
۲۱. ساجدی، امیر (اسفند ۱۳۹۲)، "بحران سوریه و دخالت قدرتهای بیگانه"، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، دوره ۶، شماره ۲۴، صص ۱۹۰-۱۵۷.
۲۲. عسگرخانی، ابومحمد (اردیبهشت ۱۳۸۳)، "رژیم‌های بین‌المللی"، چاپ اول، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۲۳. فرجی راد، عبدالرضا. ناجی، ناصر (بهار ۱۳۹۴)، "آینده سیاسی سوریه و منافع استراتژیک ایران"، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، علمی-پژوهشی، سال دوازدهم، شماره ۴۵، صص ۶۵-۵۱.
۲۴. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴)، "روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها"، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
۲۵. قوام، عبدالعلی (۱۳۹۱)، "اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل"، چاپ هجدهم، تهران: انتشارات سمت.
۲۶. قوام، عبدالعلی. فاطمی نژاد، سید احمد. شکوهی، سعید (۱۳۹۳)، "نظریه روابط بین‌الملل «پیشینه و چشم انداز»"، چاپ دوم، تهران: انتشارات قومس.
۲۷. مصطفی، حسن (۱۳۹۶)، "داعش، زیر ساخت‌های معرفتی و ساختاری" چاپ نهم، تهران: موسسه فرهنگی و هنری آفتاب خرد.
۲۸. نجات، سید علی (زمستان ۱۳۹۳)، "رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات نوین خاورمیانه"، فصلنامه سیاست (علمی-تخصصی)، سال اول، شماره ۴، صص ۶۱-۷۶.
۲۹. نجات، سیدعلی. جعفری ولدانی، اصغر (زمستان ۱۳۹۲)، "بررسی نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه"، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی، سال سوم، شماره ۸، صص ۴۹-۲۹.
۳۰. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل انتشارات و تبلیغات، "قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران"، چاپ اول، شهریورماه ۱۳۶۸.

۳۱. وونت، الکساندر (۱۳۹۲)، "نظریه اجتماعی سیاست بین الملل"، ترجمه حمیرا مشیرزاده، چاپ سوم، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه-دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.

۳۲. Fulton , Will and Joseph Halliday, winter(۲۰۱۳), "Iranian strategy in Syria", Institute for the study of war.

۳۳. Gellbart , janathan, fall(۲۰۱۰), "The Iran-Syria axis: a critical investigation", Stanford journal of international relation.

۳۴. Jervis, Robert (۱۹۹۹), "Realism, Neoliberalism and Cooperation: under Standing the debate", International Security: Summer ۲۴(۱): ۴۲-۶۳.

۳۵. Walt, Stephen M. (۱۹۸۵) "Alliance Formation and the balance of world power", International security, Vol. ۹, No. ۴.

۳۶. Walt, Stephen M. (۱۹۸۸). Testing Theories of Alliance Formation: The Case of Southwest Asia, International Organization, Vol. ۴۲, No. ۲.